

بازیگر می گفت دیوانه ای مرا انتخاب کرده ای!

گفت وگویی «شهروند» با «کاوه مظاهری» کارگردان فیلم «بوتاکس»



است. یادگاری از اولین روزهای اکران «بوتاکس» در گروه سینمایی هنر و تجربه که در این سال ها میزبان فیلم های قابل توجه پرشماری بوده است...

بهترین فیلم بلند و بهترین فیلمنامه را گرفته است. آنچه در پی می آید خلاصه شده گفت وگویی است که با کاوه مظاهری درباره فیلم «بوتاکس» به انجام رسیده

امین فرج پور، شهروند «بوتاکس» - که در گروه هنر و تجربه روی پرده رفته - اولین فیلم بلند کاوه مظاهری است. فیلمسازی که با فیلم های کوتاهی مانند «موجین»، «سوسک» و «شهربازی» دیده شد و سرانجام سال گذشته «بوتاکس» را به عنوان محصول مشترک ایران و کانادا ساخت که در آن سوسن پرور، مهدخت مولایی، سروش سعیدی، مرتضی خانجانی و محسن کیانی ایفای نقش می کنند.

«بوتاکس» که با فیلمنامه ای از کاوه مظاهری و سپینود ناجیان جلوی دوربین رفته؛ داستان دو خواهر به نام های اکرم و آدر را روایت می کند که به دروغ به همه می گویند برادرشان به آلمان رفته و از او خبری ندارند. دروغی که به مرور در ذهن اکرم بدل به واقعیت می شود و او روزهایش را در انتظار بازگشت برادرش از آلمان می گذراند. این فیلم که سیمرغ بلورین بهترین فیلم جشنواره جهانی فیلم فجر را در ویتترین افتخاراتش دارد، در سی و هشتمین جشنواره فیلم تورین نیز جایزه



روایت جنایت های ناگهانی خانوادگی!

درباره فیلم «بوتاکس»

نگار باباخانی، شهروند «بوتاکس» را بسیاری یک فیلم جنایی نامیده اند. بسیاری دیگر نیز فیلمی اجتماعی یا روانکاوانه. راست اما این است که «بوتاکس» هیچ کدام از اینها نیست، در حالی که همه اینها هم می تواند باشد.

درباره «بوتاکس» مهم ترین چیزی که می توان گفت این است که این فیلم نه به خاطر نوع و مسیر داستانی اش، بلکه به واسطه جنس خاص روایتش در ذهن می ماند. روایتی که با اینکه داستان تکان دهنده اش نیز در پیشرفت آرام و بطنی خود در شکل گیری اش نقش دارد، ولی اصل وقوع این داستان در مرز توهم، رویا و واقعیت است. رویکردی که «بوتاکس» را تبدیل به فیلمی منحصر به فرد کرده که شبیه هیچ فیلم دیگری نیست. حتی شبیه فیلم های قبلی کارگردانش نیز نیست.

با اینکه شباهت تام و تمامی به خود کارگردانش دارد که در کلیت کارهایش نشان داده دل بسته جنایت های ناگهانی خانوادگی و نقش عمیق این نوع رفتار در زندگی کاراکترهای داستان است.

یا به گویشی بهتر راوی داستان اعضای یک خانواده که یکی از آنها - به هر دلیل - با خشونت ناگهانی بحرانی بزرگ در زندگی به وجود می آورد. موضوعی که در نگاهی عمومی بی شباهت به رخداد های یکی از فیلم های کوتاه کارگردانش نیز نیست. در واقع در «رتوش» هم یک شخصیت زن را در فیلم می بینیم که در یک موقعیت ناگهانی و پیش بینی نشده دست به اقدامی باور نکردنی علیه همسرش می زند.

با این تفاوت که «بوتاکس» به خاطر زمان بیشتر امکان بیشتری برای پرداخت به این رابطه - و لحظه - شوک آور دارد و به همین دلیل هم گفته می شود که به نوعی نسخه تکمیل شده ای از فیلم «رتوش» است.

«بوتاکس» همچنین به علت روند شوکه کننده اش نیز در یاد ها می ماند. شوک هایی که برخلاف روند آرام و بطنی فیلم هر از چندی پیش می آیند و مخاطب را در مرزی از باور و ناباوری گرفتار می کنند. فیلم در آغاز داستان دو خواهر و یک برادر را روایت می کند که با هم زندگی می کنند، اما خیلی زود این شرایط عوض می شود و این دو خواهر خبر از مهاجرت برادرشان می دهند. اتفاقی که در همان دقایق آغازین فیلم رخ می دهد و روابط فیلم را دچار بحران می کند. این اولین شوک فیلم است.

ناپدید شدن برادر، آن هم در حالی که ما ماجرا را ندیده ایم و تنها و تنها از طریق تأثیری که این واقعه در رفتارهای دو کاراکتر دیگر گذاشته، تأثیر عمیق و تکان دهنده چنین اتفاقی را بر دو شخصیت دیگر متوجه می شویم. این شوک ناشی از ندیدن کلیت ماجراست، البته می توانست به شیوه دیگری نیز رخ دهد. در حقیقت شوک های پشت سرهم «بوتاکس» ناشی از روندی است که برخلاف انتظار و حدس تماشاگر پیش می رود.

حرکت برخلاف انتظارات تماشاگر الگوی کلی فیلم «بوتاکس» است و کارگردان برای ابراز وفاداری به این الگوی کلی که خود طرح و اجرا کرده، گاه از امکانات موجود در فیلم نیز (به سادگی؟) می گذرد. چنانچه در همان دقایق اول، کارگردان که می توانست با نشان دادن قتل برادر توسط دو خواهر، یک شوک به مراتب بزرگ تر به تماشاگر فیلم وارد آورد، تنها و تنها به این دلیل که این شوک بزرگ فیلم را در مسیر یک درام جنایی قرار می داد - و این طبق الگوی روایی فیلم نبود - از این کار خودداری کرده و روند بطنی فیلمش را بر هم نزنده است.

روندی که در دقایق و رخداد های بعدی فیلم نیز استمرار یافته و می بینیم که حوادث بعدی داستان نیز به شکلی کاملاً درونی و به دور از جنجال و هیاهو رخ داده و در روند روایت فیلم قرار گرفته است...

علائق، سلیق و دغدغه های آقای کارگردان

وطن دیده شده است؟

نکات مثبت سوسن پرور این مسأله را جبران می کرد. هوش زیادش، توانایی بی نظیرش در عمق بخشیدن به نقش، نبوغ لحظه ای اش، فیزیک مناسبش برای نقش اکرم، همه و همه باعث می شوند سوسن پرور درست ترین انتخاب برای این نقش باشد. به خصوص که این نقش بازیگری می خواست که علاوه بر هوش و جدیت، این توانایی را هم داشته باشد که بتواند بین کمدی و تراژدی حرکت کند. به هر حال ما داشتیم یک کمدی سیاه می ساختیم که لحظات تراژیک نیز داشت. یک کمدی سیاه که نه صد درصد تراژدی است و نه کمدی.

خود سوسن پرور چه؟ او خودش از این ماجرا نمی ترسید؟

این را که باید خودش بگوید. من فقط می توانم بگویم که شناس آوردم در این فیلم سوسن پرور حضور دارد. البته در پاسخ سوال شما؛ یاد هست که اوایل خود سوسن پرور هم می ترسید. البته درست ترش این است که بگویم شک داشت که آیا این نقش درست و مناسبی برایش هست یا نه و مدام به شوخی می گفت که «دیوانه ای که مرا انتخاب کردی». اما خوشبختانه در همان روزهای اول این ترس ها از بین رفت.

یعنی بر اساس این امکان طرح اولیه ۱۸ صفحه ای فیلم بنا شد. می توانید بگویید برای انتخاب بازیگر چه فاکتورهایی را در نظر داشتید؟ اصلاً بگذارید این گونه بپرسم که چرا و با چه تحلیلی در فیلم «بوتاکس» - که اولین فیلم بلند شما و به همین نسبت هم مهم است - از ستارگان سینما و حداقل بازیگران شناخته شده تر استفاده کرده اید؟

اولین چیزی که در انتخاب بازیگران این فیلم اهمیت داشت، این واقعیت بود که «بوتاکس» یک فیلم مستقل است. در واقع از همان ابتدا قرار بود این فیلم با یک بودجه محدود مدیریت شده ساخته شود. البته این تنها ملاک من برای انتخاب بازیگران این فیلم نبود. یعنی در آن زمان ذهنم این گونه بود که بازیگران «بوتاکس» باید در عین داشتن یک چهره خاص، بتوانند یک بازی توانمند تر از بازی و کمدی را ارائه دهند. اگر این فاکتورها را در کنار شرایط کاری دشوار این فیلم قرار دهیم - که در روستایی بین آبی و رودهن فیلمبرداری می شد که دمای آن در زمان ساخت این فیلم شانزده هفده درجه زیر صفر بود - می بینید که گزینه های زیادی نداشتیم که البته یکی شان سوسن پرور بود.

نگران سابقه سوسن پرور نبودید که بیشتر در فیلم های کودک

دوروی سکه ریسک

حال نتیجه در نهایت مثبت است.

ریسک نمایش فیلم در سینمای کرونزده ای که حتی فیلم های کمدی بالقوه پر فروش هم از اکران در آن شرایط هراس داشتند، باید خیلی ترسناک باشد. حالا گذشته از اتفاقاتی که در اکران برای «بوتاکس» پیش آمده - می توانست در شرایطی دیگر بهتر یا بدتر باشد - فکر می کنید کرونزده ای سینما چه کرد؟

درست است که کرونزده ای تعطیلی سالن ها در کل به ضرر سینما بود، اما فراموش نباید کرد که آسیب های این ماجرا برای سینمای مستقل به مراتب بیشتر بود. یک اتفاق نابود کننده برای سینمایی که یکی از بزرگ ترین دغدغه هایش ادامه چرخه اقتصادی و استمرار حیات حرفه ای فیلمساز است. کرونزده ای تعطیل کردن جشنواره ها و بازارهای فیلم ادامه حیات حرفه ای فیلمسازان مستقل را با مشکلات جدی مواجه کرد.

باین اوصاف به نظر می رسد از فروش فیلم راضی نیستید. از بازتاب های فیلم چه؟

چیزها هم بگذری.

مثل تاکیدی که فیلم بر مسائل زنان دارد؟ در واقع یکی از نکات برجسته فیلم های قبلی شما - چه کوتاه و چه بلند - پرداختن به زنان و مسائل آنهاست. چرا؟

نمی دانم. یا بهتر است بگویم که آگاهانه این کار را نکرده ام، بلکه هر زمان به قصه ای فکر کرده ام، خود به خود آن کاراکتر را زن دیده ام و بیشتر توانسته ام درباره آن تخیل کنم. در قصه «بوتاکس» هم این قضیه به این شکل رخ داد که احساس کردم در صورتی که موقعیت مرکزی فیلم برای یک زن اتفاق بیفتد، شاهد داستان پیچیده تری خواهیم بود.

یعنی به عقیده شما زن ها پیچیده تر از مردان هستند؟

قطعاً نه. مگر می شود برای اینچنین چیزها قانون

گذاشت؟ ولی می توانم بگویم که من به عنوان فیلمساز درباره زنان فیلم های پیچیده تری می توانم بسازم.

آقای مظاهری عزیز؛ به عنوان سوال آخر؛ با کارنامه ای پر از فیلم های کوتاه موفق؛ آیا بعد از «بوتاکس» دنیای فیلم کوتاه را رها خواهید کرد؛ یا همچنان می شود منتظر فیلم های کوتاه دیگری در کارنامه شما بود؟

البته چند وقتی می شود که این تقسیم بندی در خیلی از کشورها از بین رفته و ما دیگر فیلمساز فیلم کوتاه و بلند نداریم. یعنی از نظر حرفه ای این موضوع جا افتاده که بعضی از داستان ها باید در قالب فیلم کوتاه و بعضی نیز به عنوان فیلم بلند ساخته شوند. اما

در جواب شما؛ برای من سینمای بلند و فیلم کوتاه هر کدام جذابیت ها و چالش های خودش را دارد و ممکن است در مقطعی دوست داشته باشم یکی از اینها را تجربه کنم.

